

یادداشتی از علی ربیعی

## ارتباطات، گفت‌وگوی اجتماعی و الزامات آن

همین صفحه



مادر یک کودک گیرنده در گفت‌وگو با «توسعه ایرانی»:

## سخت‌ترین بخش پیوند کلیه، تهیه داروست

شهر نوشت ۶



ایران در تاجیکستان کارخانه پهباد افتتاح کرد

# پرواز آشتی جویانه ابابیل

## در آسمان دوشنبه

«ابابیل ایران در خاک تاجیکستان ساخته می‌شود.» شاید بعد از پنج سال روابط تیره تهران با همسایه هم‌زبان خود و اتهام دوشنبه به ایران برای حمایت از کودتای نافرجام تاجیکستان؛ این خبر کمی عجیب باشد. با این حال اینطور که خبرگزاری ایلنا نوشته است، در راستای تقویت و توسعه همکاری‌های مشترک دفاعی و نظامی بین دو کشور،

کارخانه تولید پهباد ابابیل ۲ با همت و تلاش متخصصان صنایع دفاعی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با حضور سرلشکر محمد باقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و شیرعلی میرزا، وزیر دفاع و جمعی از فرماندهان عالی‌رتبه کشور تاجیکستان در دوشنبه پایتخت این کشور افتتاح شد.

سیاست ۲

محرمانگی به اعلام قیمت دلار هم رسید

## آغاز دور جدید افزایش نرخ ارز

چرتکه ۳

تعجب‌زاکانی از اعتراضات رانندگان

# بی‌قانونی در کشور، فریاد اتوبوسرانان را برآورد

دسترنج ۸



در جریان آغاز عملیات اجرایی ۱۰۰ هزار واحد مطرح شد

**انتقاد رئیس جمهور**  
نسبت به روند اجرای پروژه نهضت ملی مسکن  
چرتکه ۳

خطیب‌زاده:

**گسترش ناتو عامل شرایط کنونی در اوکراین است**  
سیاست ۲

یک کارشناس مسائل اقتصادی:

**جریان سرمایه‌داری در بدنه دولت رئیسی نفوذ کرده است**  
چرتکه ۳

امام جمعه ارومیه:

**گیردادن بی‌مورد به مسئولان مطالبه‌گری نیست**  
سیاست ۲

فراجا:

**گزارش کشف حجاب در خودرو، ملزم به ارائه سند تصویری شد**  
شهر نوشت ۶

یادداشت

## جراحی اقتصادی یا کمک به عادی‌سازی تحریم؟

نادر صدیقی

سفره ایرانیان را تحریم‌ها جراحی و به عبارت دقیق‌تر قیچی کرده است. نمی‌شود گفت‌ما به بخش قیچی شده سفره و ثروت ایرانیان کاری نداریم و فقط می‌خواهیم بقیه آن را جراحی کنیم. تز «سفره مردم را به برجام گره نمی‌زنیم» تاکنون کار کردی جز کمک ناآگاهانه به عادی‌سازی تحریم نداشته است. عادی‌سازی تحریم بدتر از اصل تحریم است، زیرا تحریم‌ها عملی است که طرف تحریم‌گر انجام می‌دهد، اما عادی‌سازی تحریم اتفاقی است که در داخل رخ می‌دهد. تحریم‌گران آمریکایی و صهیونیستی برای توجیه عمل ظالمانه و ضدبشری خود در جهت قیچی کردن بخش قابل توجهی از سفره مردم ایران به یک شگرد شیطان‌ی متوسل شده‌اند. می‌گویند ایران یک کشور عادی نیست. این مدعا یک بار سنگین حقوقی دارد. حرفشان این است که ایران چندان غیرعادی است که اهلیت حقوقی برای دسترسی کامل به اموال خود و دسترسی به بازارهای جهانی و نظام مالی جهانی ندارد. غیرعادی جلوه دادن کشور ما یعنی جرم‌انگاری سیمای ایران. یعنی آنکه به عنوان مثال هر شهروندی ایرانی در هر تراکنش مالی در هر نقطه از جهان به دیده «مجرم بالقوه» نگریسته شود. عادی‌سازی تحریم یعنی درونی کردن آن نگاه مجرمانه و از آن بدتر، «انقلابی» جلوه دادن یک امر غیرعادی. انقلاب در اصل چنین نبود، امام خمینی در مقابل آن القای رسانه‌ای که مردم انقلابی را به شکل یک مردم غیرعادی و «شلوغ‌کار» و ضد نظم جهانی جلوه می‌داد، ایستاد و با توسل به گفتمان حقوق بشری فضای افکار عمومی جهانی را تسخیر کرد. در آن روزگار، آن چه که در خیابان‌های انقلابی می‌گذشت، نمی‌توانست بدون تسخیر خیابان‌ها و شاهرگ‌های رسانه‌ای جهانی راه خود را باز کند و به جمهوری اسلامی راه بیرد. انقلاب اسلامی

دو چهره داشت و در دو میدان جریان داشت: در میدان افکار عمومی داخلی و افکار عمومی جهانی. امام خمینی برای مقابله با شبهه عادی جلوه دادن انقلاب و مردم انقلابی، ماشین دیپلماسی عمومی را درست در نقطه کانونی آن یعنی در جهان غرب به کار گرفت: «با این رفقایی که در خارج از کشور شما دارید از فِرَق دیگر، از اهل مثلاً اینجا یا سایر ممالک که آشنا هستید با آنها، هر جا اتفاق افتاد، بایستید و مطالبتان را بگویید تا مردم بدانند که یک دسته اشخاص شلوغ کار نیستند [که] آ‌دار ندان کار رامی‌کنند. آنها که قیام کرده‌اند بر ضد این، نه اینکه یک مردمی هستند که می‌خواهند شلوغ کاری بکنند این کارها را می‌کنند، این مردمی هستند که حق می‌گویند؛ حق خودشان را طلب می‌کنند. آزادی حق مردم است؛ استقلال یک مملکت، حق اهل مملکت است که طلب می‌کنند. استقلال بکنند در مملکت، مردم شریفی‌اند که قیام کرده‌اند و خون خودشان را دارند می‌دهند در مقابل اینکه احکام اسلام را و این ثروت خودشان را، یعنی ثروت ملتشان را نگذارند هدر برود؛ احکام اسلام را نگذارند از بین برود.»

در یک طرف «ثروت ملت»، در طرف دیگر حقوق بشر و مقابله با غیرعادی جلوه دادن انقلاب. بنیان‌گذار این جمهوری نشان داد که مقابله با حربه غیرعادی جلوه دادن مطالبه معطوف به کنترل دارایی‌های کشور توسط مردم کشور امری است انقلابی. او در مقابل پیشداوری حاکم بر رسانه‌های شاه که به غرب می‌گفت انقلابیون ایران طبقه‌های باغیان و قانون‌شکنان هستند که به عصر و به زمان و به زبان دیگر تعلق دارند ایستاد و با تکیه بر توان گفتاری و پشتوانه فلسفی و منطقی خود شاه‌آرانه فقط در دانشگاه‌ها و خیابان‌ها و بازارها و حوزه عمومی داخل کشور، بلکه در خود غرب، در دانشگاه‌ها و در عرصه‌های رسانه‌ای و گفت‌وگویی پاریس، لندن، نیویورک و واشنگتن شکست داد و نشان داد که شاه است که در مقام یک رژیم غیرقانونی و کودتایی باید باغی محسوب شود و نه یک ملت مطالبه‌گر.

سخن امام خمینی در هر دو عرصه روشنگری انقلابی در داخل و گفت‌وگوی روشنگرانه با

افکار عمومی جهانی از وضوح خیره‌کننده‌ای برخوردار بود: «بگویید به مردم اینجا [فرانسه و غرب] مردم ایران که قیام کرده‌اند برای یک مطلب واضحی است که همه بشر قبولش دارد که آزاد باید باشد؛ نباید هی در حبسش کنند، نباید جلوی‌اش را بگیرند که حرف زن؛ بیخ‌گلویش را افشار بدهند که نباید یک کلمه حرف بزنی! قلمش را بشکنند که نباید بنویسی! قلم‌ها را اینها شکستند؛ قدم‌ها را شکستند در این پنجاه سال. حبس‌ها پر بود از اشخاصی که آزادی می‌خواستند در این پنجاه سال. حالا قیام کرده‌اند و حقوق واضح ملی خودشان را، آنکه از حقوق بشر است و از اولین حقوق بشر است: آزادی، استقلال، حکومت عدل.» (امام خمینی) این یعنی سخن گفتن به زبان «واضحی که همه بشر قبولش دارد» چه آنجا که تیغ اختناق بیخ‌گلوئی آزادپخواهان را افشار می‌دهد و چه آن جا که قیچی تحریم سفره و ثروت ایرانیان و حق حضور و دسترسی در نظام اقتصادی و مالی و فرهنگی جهان را کوچک و کوچک‌تر می‌کند. همان ابرقدرتی که دیرباز حامی اختناق فکری بود امروز در چارچوب تحریم‌های ظالمانه اختناق مالی و اقتصادی را بر ضد حقوق بشری ایرانیان معماری می‌کند. باید به این ظلم مجسم درست در نقطه اعمال آن پاسخ داد، یعنی باید به کمک ظرفیت‌سازی نوین در سیاست خارجی، در جای جای عرصه‌های نظام مالی و سیاسی اعمال تحریم‌ها و از آن جمله خودکنگره امریکادر مقابل لابی‌های تحریم و لابی تحریم به منزله جنگ ایستاد.

باید درکی امروزین از حکمت ملانصرالدین به دست داد که انگشتری را در تاریخانه انبار گم کرده بود، اما در جایی دیگر در کوچه دنبال آن می‌گشت. زیرا آگمشده اصلی ملانگشتر نبود نور بود. نقطه کانونی آن حقی که از ایرانیان سلب شده کاخ سفید است و کنگره و سازمان ملل و دیگر عرصه‌های مالی و سیاسی جهان. زیر نور یک زبان واضح فهم‌پذیر و حقوق بشری است که می‌توان تاریخانه‌های لابی‌های ضد ایرانی در امریکارا بر آفتاب نهاد و به زیر ضرب برد.

یادداشت

## ارتباطات، گفت‌وگوی اجتماعی و الزامات آن

علی ربیعی

در مورد نقش ارتباطات در توسعه مطالبه‌یادی نوشته و گفته شده است. نقش ارتباطات و نشاط اجتماعی، نقش ارتباطات و نقش ار تباطات و انسجام اجتماعی از سطح خانواده تا سطح ملی و ارتباطات و توسعه موضوعات قابل بحثی هستند. زیر امروزه نقش آفرینی ارتباطات از ارتباطات جهانی تا سطح خانواده کشیده شده است ولی من می‌خواهم از وجه دیگری به مسئله ارتباطات توجه کنم.

موضوع و تمرکز این بحث درباره ارتباطات به عنوان زیر بنای گفت‌وگوی اجتماعی است. امروز جامعه ایران با دو مشکل روبرو است. یکی کاهش گفت‌وگوهای راهگشا، موثر و آرامبخش این نقیصه بین ساخت‌فرد و مردم بین نهادهای اجتماعی و حتی خانواده‌ها قابل مشاهده است. ارتباطات و گفت‌وگو و عنصر مورد نیاز برای ایران است.

و سپس اگر رنسانس را عامل عصر روشنگری اول در مقابل جهالت قرون وسطایی بشناسیم، می‌خواهم این نظر را بحث کنم که ما امروز در عصر دوم روشنگری قرار داریم. روشنگری این بار نه در مقابل جهالت بلکه در مقابل تخریب و پوسیدگی ساختن‌های واقعیت‌ها و پساواقعیت‌ها است. روشنگری امروز در مقابل فیک‌نیوزها و واقعیت‌نمایی‌هاست. امروزه آسیب‌های تخریبی پروپاگاندا آنقدر عمیق شده است که مفهوم و ادبیات پسا حقیقت شکل گرفته است.

به‌طور طبیعی هر جامعه و نهادی در هر سطحی باید یک سلسله اقدامات در دفاع از حقیقت داشته باشند. امروز نقش کنشگران ارتباطی و رسانه‌ای در میان این جریان پسا حقیقت‌ساز بر جسته‌تر از قبل شده است. امروزه نسبت وسیعی بین رسانه‌زدگی اجتماعی به وجود آمده است. می‌خواهم به تبیین چهار نسبت بین این دو اشاره کنم.

اول، رسانه به مثابه به سطح آوردن مسائل قابل گفت‌وگو است. مورد دوم، رسانه به مثابه تبیین گراست. مورد سوم، رسانه به مثابه جهت‌دهنده و روایت‌ساز است. مورد چهارم هم که با رسانه‌های نوین بیشتر مطرح شده، خود رسانه به عنوان یک پدیده و مسئله است. امروز چه در حیطه‌های مسال اجتماعی بخصوص فضای رسانه، ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی پر از پیچیدگی‌هاست. به تعبیر هانتینگتون با سازمان‌های ساده نمی‌توان وارد جامعه پیچیده شد بلکه نیازمند سازمان‌های پیچیده در مقابل محیط پیچیده هستیم.

زمانی که بیشتر به دنبال انکار و ساده‌انگاری مسائل هستیم، این روش رفتار ساده در مقابل مسائل پیچیده محسوب می‌شود. این همان نقطه‌ای است که حتی نظریه‌پردازان بیزگی چون هابرماس هم در نظریه گفت‌وگوی خود به الزامات گفت‌وگوی اجتماعی اشاره می‌کنند. گفت‌وگوی اجتماعی الزاماتی دارد که باید آنها را شناخت.

اولین الزام پذیرش اینکه مسائل اجتماعی شبیه پروژه‌های ساخت و سازی و مهندسی نیست که من تفاوت این دورا پروژه‌های فنی و اجتماعی می‌نامم. پدیده‌ها و مسائل اجتماعی رانمی‌توان در یک فنس محصور کرد و تولید کالایی شده مسئله را ساخت. مسائل اجتماعی ذی‌نفعان متعدد دارد و حل مسائل اجتماعی هم باید از درون جامعه بچوشد. اولین شرط تبیین مشارکت دادن ذی‌نفعان متعددی باشد.

دوم گفت‌وگو با گفت‌وگو با گفت‌وگو، سخنرانی و ارسال پیام‌های یکطرفه متفاوت است. باید شرایط ارتباط را طوری فراهم ساخت که همگان قادر به ارسال پیام باشند و گفت‌وگو در شرایط برابر شکل بگیرد. گفت‌وگو محل برآمدن نتایج جدید، حرف‌های جدید و دستاوردهای نوین است. گفت‌وگو محل یکطرفه گفتن و شنیدن و اثبات یک نظر نیست بلکه برآمدن نظری جدید است.

سومین مورد داشتن سازمان برابر برای گفت‌وگو است، به نحوی که ذی‌نفعان متعددی به وسایل ارتباط جمعی ملی و عمومی دسترسی مناسب داشته باشند. ساختن سازمان گفت‌وگو و رسانه‌های ارتباطی برای اظهار نظر جامعه از کار کردها و وظایف دولت‌های توسعه‌گراست.

چهارمین الزام گفت‌وگوی اجتماعی، اخلاق است. متأسفانه تبیین و روشنگری مرزهای ظریفی با آنچه امروز در جامعه به‌طور مضموم‌رشد کرده دارد و با پدیده‌های مضموم مثل افشاکاره، رسواگری تفاوت دارد. اخلاق برای تبیین راه‌گشای برآمده از متن جامعه نیازمند الزام اخلاق در گفت‌وگو است. اخلاق از شیوه بیان تا امکان برابر و هدف گفت‌وگو کنندگان و تبیین کنندگان را دربر می‌گیرد. تبیین گفت‌وگویی برای زدودن امر غیر واقع از واقع و نشان دادن حقیقت گم‌شده در فضای پسا حقیقت است. متأسفانه امروز من مشاهده می‌کنیم که عده‌ای بلندصحت کردن، تخریب کردن رایج‌ای تبیین می‌نشانند.

روز جهانی ارتباطات را گرامی می‌دارم و آن را به همه کنشگران ارتباطات، جامعه علمی که در ارتقای این مهارت و نظر به‌های آن تلاش کرده‌اند، فعالان رسانه‌ها که به عنوان زیربنای ارتباطات نقش آفرینی می‌کنند و همه کارکنان روابط عمومی‌ها تبریک می‌گویم.

بایلنا همراه شوید  
خبرگزاری کار ایران «ایلنا»  
ILNA